

فصلنامه پژوهشهای اقتصادی - سال هفتم - شماره دوم - تابستان ۱۳۸۶

تحلیل رقابت با استفاده از الگوی تکاملی نلسون-وینتر و کاربرد آن در واحدهای متانول ایران

دکتر محمد ستاری^۱
سعید نایب^۲

تاریخ پذیرش ۱۳۸۶/۶/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۸۶/۲/۲۵

چکیده:

رقابت مفهومی است که در فرایند تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری مفهومی چندوجهی و چندبعدی به خود گرفته و از این رو یک مفهوم متحول می‌باشد. و به همین جهت است که از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته و این امر نگرشهای مختلف با پایه‌های اطلاعاتی متفاوت را شکل داده که یکی از این نگرشها، دستگاه نظری نهادگرایی جدید است که در تبیین رقابت، به پایه اطلاعاتی نهاد توجه داشته و در این چارچوب نهادهای فناوری، اطلاعات و آثار خارجی را مهم ارزیابی نموده است. از سوی دیگر، الگوهای متفاوتی وجود دارند که به تبیین رفتار بنگاه در فرایند رقابت پرداخته‌اند که در این بین، الگوی تکاملی نلسون-وینتر در دو دهه اخیر، با تکیه بر نگرش رفتار عاملین اقتصادی در فضای بازار رقابت، مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. رویکرد متفاوت این الگو در مقایسه با الگوهای مرسوم نئوکلاسیکی و برجسته نمودن مفاهیمی که مهمترین مشکلات بنگاهها در کشورهای در حال توسعه بوده، از نکات قابل توجه این الگو است. اما آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، شباهتهای بین مفاهیم مفروض در این مدل با پایه‌های اطلاعاتی دستگاه نظری نهادگرایی جدید به‌ویژه در موضوع رقابت می‌باشد.

این مقاله تلاش می‌کند تا با بیان مبانی نظری رقابت در دستگاه نظری نهادگرایی جدید و نیز الگوی تکاملی نلسون-وینتر نشان دهد که پایه‌های اطلاعاتی مرتبط با رویه^۳، نوآوری، یادگیری و ناطمینانی در هر دوی آنها، مفاهیم یکسانی دارد. ضمن آنکه با کاربرد آن در واحدهای متانول ایران، ابعاد بهتری از این الگو نمایان می‌گردد.

طبقه بندی JEL: D21, L65, O31

واژگان کلیدی: رقابت، نهادگرایی جدید، الگوی تکاملی نلسون-وینتر، رویه، یادگیری، نوآوری، متانول.

1 عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
2 دانشجوی آزاد دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۱- مقدمه:

رقابت از مفاهیم پایه‌ای و کلیدی اقتصاد است، تا آنجا که به تعبیر اقتصاددانان کلاسیک، بدون رقابت، تصور علم اقتصاد غیرممکن است (Eatwell 1987). ماکس وبر رقابت را تلاش صلح‌آمیز افراد برای در دست گرفتن کنترل فرصتها و مزیت‌هایی می‌داند که توسط دیگران درخواست می‌شود (Swedberg 1992). اهمیت نقش رقابت در تبیین رفتارهای اقتصادی و کارکرد آن در ایجاد و هدایت فرصتها باعث شده که بخش قابل توجهی از نظریه‌های اقتصادی، معطوف به تبیین این پدیده گردند. همچنین تطور در منابع فرصت‌ساز که نه فقط به لحاظ زمانی بلکه براساس موقعیتهای جغرافیایی نیز متفاوت بوده، عالمان اقتصادی را که تبیین‌گر وقایع اقتصادی بوده‌اند، ناگزیر از تطور در اندیشه‌ها و تبیین‌های خودنموده، ضمن آنکه رویکردهای متفاوت ارزشی و هنجاری نیز در آن بی‌تأثیر نبوده است.

شاید متداول‌ترین رویکرد تبیین رقابت، تبیین نئوکلاسیکی رفتار عاملین اقتصادی است که آن را در فضایی از بازار رقابت کامل جستجو می‌نماید.

در چنین فضایی که اطلاعات به صورت کامل در اختیار عاملین اقتصادی با عقلانیت کامل قرار دارد، مهمترین موضوع تبیین رقابت، حداکثر کردن سود و مطلوبیت می‌باشد. اما هر قدر از این فرض (اطلاعات و عقلانیت کامل) فاصله گرفته شود، رویکردهای تبیینی دیگری برای توضیح رقابت نیاز است تا این جنبه از رقابت را آشکار نماید. رویکرد نهادگرایی جدید از جمله رویکردهایی است که ضمن پایبندی برخی فرض نئوکلاسیکی، تلاش دارد که ناکارآمدی‌های این رویکرد را در تبیین رفتار عاملین اقتصادی جبران نماید. واقعیت آن است که در دنیای واقعی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، اطلاعات و عقلانیت کامل به سختی قابل مشاهده بوده و از این‌رو ضرورت حضور رویکردهای تکمیل‌کننده اندیشه نئوکلاسیکی از جمله نهادگرایی جدید ضروری است.

نکته دیگر مربوط به توانایی رویکرد نهادگرایی جدید در الگوسازی رفتار عاملین اقتصادی شامل افراد و سازمانها (از جمله بنگاه) است که موضوع بخش مهمی از انتقادات وارد بر این اندیشه می‌باشد؛ موضوعی که رویکردهای نئوکلاسیکی در آن از توانایی قابل قبولی برخوردار هستند. واقعیت آن است که نهادگرایی جدید، رویکردی تازه در مقایسه با اندیشه نئوکلاسیکی بوده و از این جهت در آغاز راه است. اما در زمینه رفتار بنگاه، یکی از الگوهای که با مفاهیم رویکرد نهادگرایی جدید همخوانی دارد، الگوی تکاملی نلسون-وینتر است. اگرچه تبیین‌کننده‌های اولیه این الگو، فاقد نگرش نهادگرایی جدید بوده‌اند، اما همخوانی مفاهیم، موضوعی است که از سالهای آخر قرن بیستم مورد توجه نگرش نهادگرایی جدید قرار گرفته است که می‌تواند منجر به کاربرد بیشتر رویکرد نهادگرایی جدید در قالب الگوهای کمی گردد.

رویکرد متفاوت این الگو در مقایسه با الگوهای مرسوم نئوکلاسیکی و برجسته نمودن مفاهیمی که مهمترین مشکلات بنگاه‌ها در کشورهای درحال توسعه بوده، از نکات قابل توجه این الگو است؛ ضمن آنکه مباحث مربوط به دستگاه نظری نهادگرایی جدید و الگوی تکاملی نلسون-وینتر (علیرغم قدمت نسبی آن) هنوز مراحل اولیه خود را طی می‌کند. از این‌رو در این مقاله تلاش گردیده است که ضمن بیان مفهوم رقابت در نگرش نهادگرایی جدید و بیان الگوی تکاملی نلسون-وینتر، همراه با کاربرد آن در واحدهای متانول، شباهتهای مفهومی این دو اندیشه را بیشتر آشکار نماید.

۲- رقابت در نگرش نهادگرایی جدید:

در رویکرد نئوکلاسیکی، عاملین اقتصادی در فضایی از اطلاعات کامل و درک واقعی نسبت به محیط (عقلانیت کامل)، رفتارهای اقتصادی خود را شکل می‌دهند. در این شرایط، قیمت‌های نسبی، تعیین‌کننده رفتار عاملین اقتصادی است. نکته دیگر آنکه رفتار این عاملین مبتنی بر حداکثرسازی است که این فرایند ناگزیر باید با منابع و شرایط معین این امر صورت پذیرد. این روند منجر به

خروج شرایط ثابت از پایه اطلاعاتی تحلیل خواهد شد که خود آن می‌تواند در زمره عوامل تغییر باشد. ضمن آنکه تحلیل ایستا، ناگزیر از فرض ثبات برخی شرایط می‌باشد که یکی از آن مفروضات، بازار رقابت کامل است.

درواقع، تصور نئوکلاسیک‌ها از نظام اقتصادی، یک ماشین خودکار است که اگر اطلاعات درست و کامل به آن داده شود و عوامل خارجی در کارکرد آن دخالت نداشته باشند، همیشه در وضعیت متعادلی به سر می‌برد (Hayek, 1978). موضوع بحث تئوری رقابت کامل، اساساً ربط چندانی به رقابت ندارد و نتیجه‌گیری‌های آن، مورد استفاده چندانی در سیاست‌های اقتصادی نیست. تئوری رقابت کامل آن چنان وضعی را مفروض می‌دارد که طبق تئوری حقیقی و قدیمی‌تر آن، وضع یا نتیجه گرایش نهایی فرایند رقابت است. بنابراین در این رویکرد، رقابت به عنوان پدیده اقتصادی مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۱۴). همچنین از آن جهت که بازار رقابت کامل در این اندیشه مفروض است، پایه‌های اطلاعاتی مربوط به سود، فناوری، ترکیب عوامل تولید و توزیع درآمد از تحلیل حذف می‌شوند. فرض سود صفر در بازار رقابت کامل، دسترسی بنگاه‌ها به فناوری بدون هزینه و ارتباط تغییرات عوامل تولید با تغییرات قیمت‌های نسبی برای نکته دلالت دارد. همچنین در رویکرد نئوکلاسیک، جایی که مردم مبادلات با بازار را شکل می‌دهند، تاریخ مهم نیست، حتی توزیع ثروت مهم نیست. می‌توان کارایی داشت، حتی اگر همه منافع در اختیار یک نفر قرار گیرد (استیگلیتز، ۲۰۰۲).

اقتصاد نهادگرایی جدید، ضمن تحلیل در درون چارچوب نئوکلاسیک، برخی از فروض غیر واقعی اقتصاد نئوکلاسیکی همچون اطلاعات کامل، هزینه مبادله صفر و عقلانیت کامل را مورد شک و تردید قرار داد؛ اگر چه فرض تلاش منفعت‌طلبانه افراد برای رسیدن به هدفشان را حفظ می‌کند. با پذیرش فقدان اطلاعات و عقلانیت کامل، نهادها در جهت کاهش ناطمینانی و توانایی پیش‌بینی رفتار عاملین وارد تحلیل اقتصادی شده و به عنوان یک محدودیت در رفتار عاملین تأکید دارد. درواقع، نهادها فرصت‌ها و محدودیتهای اقتصادی عاملین را آشکار می‌کنند. مفاهیم کلیدی در نگرش نهادگرایی جدید، هزینه‌های مبادله، حق مالکیت، هزینه‌های جستجو، هزینه‌های اجرا و هزینه‌های اندازه‌گیری است.

به تعبیر داگلاس نورث، نهادها قواعد بازی یک جامعه هستند. این قواعد الزامات تدبیری انسانی است که ترکیبی از قواعد رسمی (قانون، مصوبه، عرف و مقررات)، الزامات غیررسمی (آداب، رسوم، هنجارهای رفتاری و کدهای خودتحمیلی رفتاری) و ویژگی‌های اجرایی هر دو می‌باشند (North, 1990).

بر این اساس، نهادها یک ارتباط دو سویه با سازمانها (عاملین اقتصادی) دارند. از یک سو، نهادها تأثیر عمیق روی رفتار عاملین اقتصادی و بنابراین بر عملکرد اقتصادی، کارایی، رشد اقتصادی و توسعه دارند، و از سوی دیگر نتایج اقتصادی، تغییرات نهادی را در پی خواهد داشت. از این روست که هدف نهادگرایی جدید شرح عوامل نهادی و تحولاتشان در طول زمان و هم ارزیابی آن روی عملکرد اقتصادی، کارایی و توزیع است (Kherallah, 2001).

پنج مفروض نهادگرایی جدید که ویژگی اصلی تغییرات نهادی است، عبارتست از (North, 1990):
۱- تماس مستمر نهادها و سازمانها در مجموعه اقتصاد کمیابی و از این‌رو رقابت، کلید اصلی تغییرات نهادی است.

۲- رقابت، سازمانها را مجبور می‌کند تا برای بقا به طور مستمر در دانش و مهارت، سرمایه‌گذاری کنند. چگونگی دسترسی افراد و سازمان‌هایشان به مهارت همراه با تصور تفسیر آنان از فرصت‌ها و همچنین انتخابهایی که دارند، به‌طور فزاینده‌ای نهادها را تغییر می‌دهد.

۳- چارچوب نهادی، انواع دانش و مهارت‌های درک شده برای برخورداری از حداکثر پاداش را تعیین می‌کند.

۴- تفسیرها از ساخته‌های ذهنی بازیگران برگرفته می‌شود.

۵- صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس موضوعات تکمیلی و شبکه خارجی یک ماتریس نهادی، تغییرات نهادی را فراگیر، صعودی و وابسته به مسیر^۱ می‌سازد.

فرضیه اول به این موضوع اشاره دارد که رقابت، کلید اصلی تغییرات نهادی است. نهادها در واقع تعیین‌کننده فرصتها در بین عاملین اقتصادی هستند. از این‌رو تلاش عاملین اقتصادی در جهت دستیابی به منابع کمیاب از طریق تغییراتی است که در این فرصتها صورت می‌پذیرد و این به معنی تغییرات نهادی است. اما فرضیه‌های دو تا پنج به این نکته اشاره دارد که فرصتی که نهادها در اختیار عاملین اقتصادی قرار می‌دهند، از درون ماتریسی استخراج می‌گردد که بازدهی فزاینده و وابستگی به مسیر (تاریخ) دارد. ضمن آنکه سازه‌های ذهنی عاملین اقتصادی نیز از این ماتریس که تعیین‌کننده نوع پاداش است، حمایت می‌کند. بدین معنی که ماتریس نهادی ایجادکننده فرصتها، از یک خشکی و درجه انعطاف‌ناپذیری بالایی برخوردار است. و بدین جهت، تغییر در فرصتها یا همان تغییرات نهادی، باید معطوف به کاستن بازدهی فزاینده ماتریس نهادی با تأکید بر تغییر در سازه‌های ذهنی عاملین اقتصادی باشد.

ذکر این نکته ضروری است که تغییرات نهادی در راستای هدایت فرصت‌های اقتصادی به سمت عاملین اقتصادی ذی‌نفع بوده و این امر لزوماً به معنی منافع اقتصادی ملی نیست. از این‌رو رقابت ایده‌آل در این نگرش، آن رقابتی است که منجر به نتایج قابل ارزیابی زیر گردد:

اول رقابتی که منتج به جایگزینی نهادهای کارآمدتر به جای نهادهای ناکارآمد شود که این امر بایستی منجر به کاهش هزینه‌های مبادله گردد. این کاهش هزینه‌های مبادله به معنی افزایش تمایل بخش خصوصی در گسترش فعالیت‌ها می‌باشد (نورث، ۱۳۸۱، ص ۴۸).

دوم رقابتی که منتج به کاهش شکاف بین بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی گردد. این شکاف عمدتاً ناشی از مسأله حقوق مالکیت در فعالیت‌های اقتصادی است. دشواری سنجش ابعاد دارایی‌های فکری و نوآوری‌ها و دشواری اجرای این قبیل حقوق مالکیت، دلیل اصلی فاصله گرفتن منابع اجتماعی و خصوصی بوده است (نورث، ۱۳۸۱، ص ۲۸). در واقع در فعالیت‌هایی که شکاف بین بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی بالا باشد، یا به عبارت دیگر، آثار خارجی فعالیت‌های خصوصی بالا باشد، در این صورت تمایل حضور بخش خصوصی در آن بخش، پایین می‌باشد. این موضوع از جنبه تحلیل ریسک نیز قابلیت ارزیابی دارد؛ بدین معنی که اجتماعی کردن ریسک، پیامد تغییرات نهادی در شرایط رقابت ایده‌آل است. در این وضعیت، می‌باید منافع سرمایه‌گذاری، درونی (خصوصی) و هزینه‌های آن، بیرونی (اجتماعی) گردد.

از مؤلفه‌های رقابت ایده‌آل در نگرش نهادگرایی جدید، می‌توان اینگونه استنباط نمود که رقابت ایده‌آل از دریچه تغییرات نهادی صورت می‌گیرد و این امر تحت تأثیر سه عامل مهم است:

یکم، فناوری، یکی از پیامدهای رقابت عاملین اقتصادی در جهت دستیابی به عوامل کمیاب، تغییرات فناوری است. تحولات فناوری منجر به بهره‌گیری مناسب‌تر از منابع و منافع بالقوه تولید شده و این امر تغییرات نهادی را در جهت تسهیل مبادلات تولیدی در پی خواهد داشت. به عنوان مثال، در بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ کارگران تولیدی در آمریکا از ۱۰ به ۲۹ میلیون نفر افزایش یافته است. در حالی‌که نیروی کار بیکار (کارگران غیر تولیدی) از ۵ میلیون به ۳۸ میلیون رسیده است.

تغییرات نهادی ناشی از تحولات فناوری در چهار زمینه اصلی روی می‌دهد: اول، تغییر نهادهای رتبه‌بندی و تعیین کیفیت که منابع افزایش یافته تولید ناشی از تغییرات فناوری، نیازمند اندازه‌گیری کیفیت تولید یا عملکرد عاملین است. رتبه‌بندی، امتیازدهی، نشان تجاری، گارانتی، لیسانس‌های مطالعاتی در طول زمان و مکان و روش‌های دیگر اندازه‌گیری عملکرد عاملین اقتصادی، علی‌رغم

اینکه ناقص و هزینه بر هستند، تدبیری برای اندازه‌گیری مشخصات کالا و خدمات و عملکرد عاملین می‌باشد؛ دوم، نهادها و قواعد نظام انگیزشی و نهادهای بازارکار که تغییر تولید گروهي به اقتصاد مقیاس، اجازه واقعی شدن را می‌دهد؛ اگرچه آن به هزینه از خود بیگانگی و از زیر کار در رفتن کارگران بوده است. این نهادها از دید کارفرما انضباط مؤثر شامل تولید، مقررات، انگیزش‌ها و تنبیه‌ها می‌باشد و از دید کارگران یک برنامه غیر انسانی برای سرعت افزایش تولید است؛ سوم، تغییر نهادهای تنظیم قرارداد که منافع بالقوه از رفتار فرصت‌طلبانه افزایش می‌یابد و منجر به رفتارهای استراتژیک در درون شرکت (ارتباط کارفرما با کارگر) در رفتارهای قراردادی بین شرکتها می‌شود؛ چهارم، تغییر نهادهای بوروکراسی که گسترش مقیاس سلسله مراتبی، مشکلات مربوط به بوروکراسی را ایجاد می‌کند. تکثر قواعد و مقررات در درون سازمان برای کنترل مسائل بنیادی و از زیر کار در رفتن، چسبندگی، پراکندگی درآمد و زیان و انعطاف‌پذیری مورد نیاز با کارایی مقدماتی را نتیجه می‌دهد (North, 1991).

دوم، اطلاعات، از آن جهت که اطلاعات نامتقارن بین عاملین اقتصادی زمینه‌ساز فرصت‌طلبی است، رانت اطلاعاتی می‌تواند امکان سوءاستفاده صاحبان آن را فراهم نموده و این خود منجر به بالا رفتن هزینه‌های میادله در اقتصاد می‌گردد. از سوی دیگر، گسترش اطلاعات کاهش‌دهنده ناطمینی و ریسک در سطح اقتصاد ملی است، از این رو اطلاعات می‌تواند نقش مهمی در تغییرات نهادی معطوف به رقابت ایده‌آل و ایجاد فرصتها باشد و عاملین اقتصادی همواره در دستیابی به آن با یکدیگر رقابت می‌کنند.

سوم، آثار خارجی، که مهمترین بخش اختلاف بین بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی می‌باشد. عاملین اقتصادی همواره نگران بخشی از فعالیت‌های خود هستند که منافع آن برایشان قابل جذب نمی‌باشد. از این جهت، در شرایطی که امکان در اختیار گرفتن آن را ندارند، از فعالیت صرف‌نظر و بنابراین در جهت ایجاد فرصتهای بهتر، تلاش خود را معطوف به بالا بردن بازدهی‌های خصوصی خود می‌نمایند. که این امر از طریق تغییرات نهادی صورت می‌گیرد. یکی از نهادهای مهم در این زمینه، حقوق مالکیت می‌باشد. تغییر نهادهای حقوق مالکیت، به دلیل وجود اثرات خارجی و هزینه‌های غیر قیمتی منعکس شده در اقتصاد مدرن که ناشی از تغییرات فناوری است، منجر به شکاف بین بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی می‌شود که در این شرایط تغییر نهادهای حقوق مالکیت ضروری است (North, 1991). بنابراین می‌توان پایه اطلاعاتی تبیین رقابت را در این نگرش، تغییرات نهادی از دریچه فناوری، اطلاعات و آثار خارجی ارزیابی نمود.

۳- الگوی تکاملی نلسون-وینتر:

تبیین رفتار بنگاه‌ها، بخش قابل توجهی از ادبیات اقتصادی را به خود اختصاص داده است و مهمترین بخش آن نیز مربوط به رویکرد نئوکلاسیکی بوده که در آن بنگاه، رفتار حداکثرساز خود را بر اساس قیمت‌های نسبی عوامل که از بیرون بنگاه دریافت می‌دارد، شکل می‌دهد. در این رویکرد، انتخاب فناوری مناسب شامل بهینه‌سازی تابع تولیدی برای بنگاه مشخص است. دسترسی به فناوری بی‌هزینه می‌باشد و هیچ روند یادگیری وجود ندارد یا اگر هست، این روند خودکار و پیش‌بینی شده است (در طول یک منحنی یادگیری مشخص).

نکته دیگر آنکه، ارتباطات غیر بازاری و همکاری بین بنگاه‌ها بی‌ربط است و هیچ اثر بیرونی مهمی در فرایند یادگیری نیست. هیچ فرایند انباشتی یا وابسته به مسیری در توسعه فناوری وجود ندارد و شرکتها با دانستن تمام گزینه‌ها (اطلاعات کامل)، تابع هدف را حد اکثر می‌کنند (Lall, 1993). تفاوتی که بین بنگاه‌های مفروض در رویکرد نئوکلاسیکی با دنیای واقعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود داشت منجر بدان گردید که الگوهای تکاملی از جمله نلسون-وینتر مورد توجه قرار گیرند.

تاریخچه مدل تکامل تدریجی نلسون- وینتر به قبل از کار مشترک این دو در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸ باز می‌گردد. زمانی که وینتر در جهت انتقاد به مباحث فریدمن- الچیان در مورد حداکثر کردن سود بنگاه، مطالعاتی داشته است. ضمن آنکه در همین زمان، نلسون درباره مباحث مربوط به اختراع، نوآوری و تغییرات فنی مطالعه می‌کرد. همگرایی ایده‌ها بین نلسون و وینتر، منجر به شکل‌گیری مدل نلسون- وینتر در دهه ۱۹۷۰ گردید که مبتنی بر مبانی نظری زیر بود:

۱. شناخت الگوهای رفتاری و انتقال آنها در بنگاه‌های تولیدی؛
 ۲. نحوه ایجاد الگوهای رفتاری جدید در بنگاه‌های تولیدی؛
 ۳. طراحی انواع سازوکارهای مختلف انتخاب در بنگاه‌های تولیدی (نلسون و وینتر، ۱۹۸۲).
- این مبانی نظری، کار نلسون و دیگر شومپتترین‌ها در زمینه اختراع و ابداع، کار وینتر و الچیان در زمینه انتخاب طبیعی و کار سایمون روی قواعد رفتاری را در برمی‌گیرد. این مدل، بر رفتار جستجوگرایانه بنگاه در زمینه ابداع، علاوه بر سایر فعالیت‌های آن، مفروض است و اینکه ماهیت تصادفی بودن ابداع، بر جنبه پیش‌بینی تغییرات اقتصادی مؤثر واقع می‌شود. این امر در واقع نتیجه‌ای از عقلانیت محدود شده (در مقابل عقلانیت کامل) می‌باشد که منجر به جستجوی درونی در فضاهای فناوری و بازار یابی می‌گردد.
- در یک نگاه کلی، این مدل وضعیتی را ترسیم می‌کند که یک بنگاه در زمان t با سرمایه و بهره‌وری مشخص، همراه با قواعد تولید و توابع عرضه و تقاضای نهایی مشخص می‌باشد. این وضعیت، رقابت‌پذیری بنگاه را در مقابل رقابیش تعیین می‌کند. تلاش بنگاه در جهت افزایش سودآوری انتظاری، به‌وسیله قواعد سرمایه‌گذاری (البته ساده‌سازی شده) و نیز قواعد جستجو (و به تبع آن، هزینه‌های جستجو) همراه با احتمال پیدا کردن قواعد جدید (موفقیت در جستجوی ابداع یا یادگیری) تعیین می‌شود. یک یافته جدید در این فرایند جستجو، وضعیت جدید شرکت را نشان می‌دهد.
- نکته مهم در اینجا چگونگی حرکت یک بنگاه از وضعیت ابتدایی به وضعیت جدید می‌باشد که با روشن شدن این موضوع، تعریف برنامه رایانه‌ای آن به‌منظور شبیه‌سازی نیز آسان خواهد گردید. این امر نیازمند شناسایی الزامات آن و شامل موارد زیر می‌باشد (Andersen, 1996):
۱. تعریف حداقل مشخصات محیطی شامل شرایط داده و تولید به علاوه فضایی که در آن بنگاه‌ها به فعالیت می‌پردازند.
 ۲. داشتن وضعیت صنعت در زمان t (زمان شروع تحلیل) که به معنی داشتن فهرستی از وضعیت شرکتها شامل مشخصات اطلاعاتی و فیزیکی و رویه‌های سطح بنگاه و صنعت است.
 ۳. محاسبه مفاهیم و متغیرهای وضعیت بنگاه‌ها و صنعت در دوره t (شامل تغییرات ممکن رویه‌ها) که وضعیت سیستم در شروع دوره $t+1$ را مشخص می‌کند.
 ۴. ساختن محاسبات مشابه برای روند متغیرها و نیز مطالعه روند تکاملی رویه‌های مختلف همراه با سایر مشخصات دیگر صنعت و اقتصاد ملی از دیگر موارد مطروحه در این مدل است.
- این در واقع فرایند مدل‌سازی الگوی نلسون-وینتر می‌باشد که مورد توجه بسیار گسترده‌ای از دهه ۱۹۸۰ به بعد قرار گرفته و بر بسیاری از مدل‌های تکاملی سیطره یافته است. در ادامه گام‌های محاسبه در فرایند تحول مدل نلسون-وینتر بیان می‌شود.

۳-۱- گام اول: متغیرهای وضعیت t

- ۱- وضعیت صنعت به‌وسیله اندازه ذخیره سرمایه فیزیکی (kit) و بهره‌وری سرمایه (Ait) برای هر n شرکت تعیین می‌گردد.

- ۲- باتوجه به متغیرهای وضعیت t ، یک سیستم کوتاه مدت ساده در نظر گرفته می‌شود. این یک فرایند ساده‌سازی شده اقتصاد است که بر اساس آن تولیدات، قیمت و سود هر بنگاه تعیین می‌شود.
- ۳- تولید به‌وسیله نرخ بازدهی ثابت مقیاس مشخص و تولید هر بنگاه به‌وسیله قاعده بهره‌برداری از ظرفیت کامل تصمیم‌گیری می‌شود. این بدین معنی است که تولید واقعی برابر حداکثر تولید برای هر بنگاه است. تولید کل صنعت (Q_t) نیز به‌وسیله جمع ساده بنگاه‌ها به‌دست می‌آید.

$$Q_{it} = A_{it} \cdot K_{it}$$

- ۴- تولید کل صنعت مواجه با تقاضای برونزا و دارای کشش واحد است؛ به عبارت دیگر، قیمت‌ها برای تسویه بازار تعدیل می‌شوند.

$$P_t = D/G_t$$

۲-۳- گام دوم: تکنولوژی جدید

بهره‌وری هر شرکت مشخص بوده که تحت تأثیر تلاش‌های R&D می‌باشد. تغییرات فنی، شکلی از ابداعات فرایندی یا تقلیدهای فرایندی است که ضریب سرمایه شرکتها را ($A_{i,t+1} > A_{it}$) افزایش داده و منجر به ایجاد تکنیک‌های جدید تولید می‌شود و در نتیجه بهره‌وری در گام‌های بعدی تغییر می‌یابد.

- ۵- هزینه‌های R&D ابداعات شرکت به‌وسیله قواعد ثابت تصمیم‌سازی و بر اساس نسبت سطح سرمایه فیزیکی تعیین می‌شود ($r_t^{im} \cdot K_{it}$).

۶- شانس شرکت برای برنده شدن در بخت آزمایی ابداع (d^{im}) متناسب با هزینه‌های R&D ابداع است و آن به‌وسیله عامل برونزای تغییرات فنی صنعت و در شکل توزیع احتمال پواسن با تعداد میانگین موفقیت هر دوره تعیین می‌شود که این نتیجه‌ای از تلاش‌های شرکت همراه با قابلیت کسب تکنولوژی می‌باشد.

۷- موفقیت بنگاه در رویه‌های نوآوری و ابداع، بستگی به بهره‌وری ابداع دارد که این امر تحت تأثیر مجموعه تلاش‌ها و پیشرفت‌های علمی و فناوری حاصل شده در هر صنعتی است؛ اما این بهره‌وری، تابعی از توزیع احتمالات نرمال معین برونزا است. میانگین توزیع نرمال ($I_{\eta}(A_t)$ science) را رشد نمایی بر پایه آخرین پیشرفت‌های علمی تعیین می‌کند. انحراف معیار توزیع ثابت بوده و نتیجه انتقال از فرم لگاریتمی به فرم معمولی است.

- ۸- هزینه R&D تقلیدی شرکت به‌وسیله قواعد تصمیمی ثابت پیدا می‌شود که آنها را به نسبت سطح سرمایه فیزیکی تعیین می‌کنند ($r_t^{im} \cdot K_{it}$). وقتی هزینه‌ها خیلی کوچک باشند، صنایع به هزینه‌های سرریزی ناشی از ابداع نزدیک می‌شوند.

۹- هر شرکت برای تلاش در جهت جستجوی تقلیدی خود به یک بخت آزمایی دست می‌زند. احتمال برنده شدن در این قرعه (d^{im})، همچون برنده شدن بلوط در یک بخت‌آزمایی، متناسب با هزینه‌های جستجوی تقلید است. اما در غیر این‌صورت به‌وسیله عوامل برونزا (پیچیدگی تقلید در صنعت خاص) تعیین می‌شود.

- برنده شدن در قرعه کشی بدین معنی است که بنگاه به روش فنی بهترین عملکرد دسترسی پیدا کند و بنابراین، در این دوره، بالاترین سطح بهره‌وری در هر شرکت به‌دست آمده باشد.
- تلاش برای بهبود بهره‌وری با مقایسه بین بهره‌وری قابل دسترسی به‌وسیله روش فنی بر جای مانده از دوره گذشته یا روش فنی که ممکن است به‌وسیله جستجوی ابداع یا تقلید به‌دست آید، حاصل می‌گردد. روش‌های فنی با بالاترین بهره‌وری انتخاب می‌شود. اگر روش فنی تغییر یابد، آن

تغییر، بهره‌وری دوره بعد (غیرمجموعه در تغییرات فنی) را تعیین خواهد کرد. بنابراین باید وضعیت فنی (روال تولید) برای دوره $t+1$ به وجود آید.

۳-۳- گام سوم: سرمایه جدید

حال تصمیمات سرمایه‌گذاری مطرح می‌گردد:

۱۰- برای هر بنگاه، گردش وجوه ($P_t \cdot Q_{it} = P_t \cdot A_{it} \cdot K_{it}$) محاسبه شده و سپس خالص سود به‌وسیله کسر عناصر هزینه‌ای که همگی بر حسب هر واحد سرمایه فیزیکی هستند، به‌دست می‌آید که شامل هزینه‌های تغییر تولید، استهلاک سرمایه (delta) و مقدار بهره برای هر واحد سرمایه (c) است که در همه دوره‌ها ثابت فرض شده و هزینه‌های R&D ابداع و تقلید به‌وسیله قواعد تصمیم‌گیری ثابت تعیین می‌شود که آنها نسبتی از سطح سرمایه فیزیکی اند (r_i^{im}, r_i^{im}). سود هر واحد سرمایه برابر مجموع هزینه R&D به‌علاوه هزینه‌های عادی معمولی است.

$$\Pi_{it} = P_t \cdot A_{it} - (C + r_i^{im} + r_i^{im})$$

۱۱- حداکثر سرمایه‌گذاری هر شرکت برابر مجموع سود دوره جاری به‌علاوه وام از بانک‌ها در نسبتی از سود است. این نسبت، موجب تأثیر نقش قواعد بانک‌ها در فرایند تکامل تدریجی بنگاه می‌شود. (Nelson & Winter, 1982)

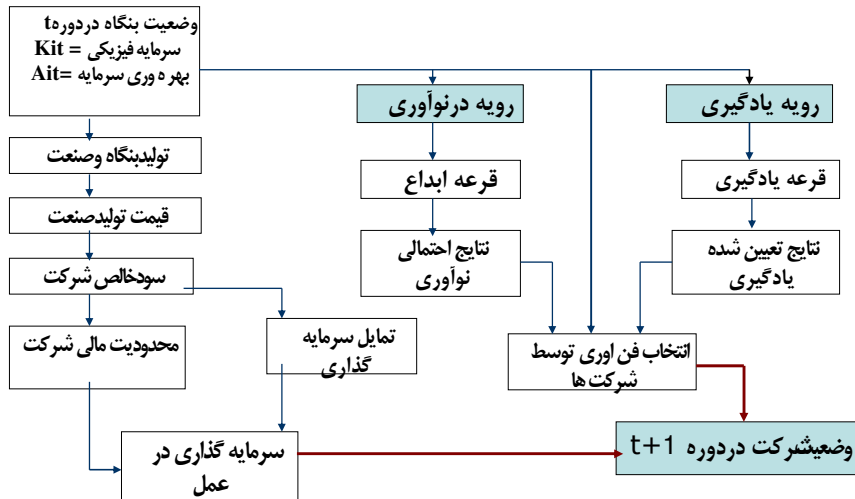
۱۲- سرمایه‌گذاری مورد علاقه شرکت تحت تأثیر استهلاک (delta) و استراتژی‌های بنگاه در بازار از قبیل افزایش سهم بازار می‌باشد.

۱۳- حداقل مورد (۱۱) یعنی حداکثر سرمایه‌گذاری و مورد (۱۲) یعنی سرمایه‌گذاری مورد تمایل بنگاه، میزان سرمایه‌گذاری شرکت را تعیین می‌کند. تغییرات در سرمایه فیزیکی بر تولید در دوره‌های بعد تأثیر می‌گذارد.

۳-۴- گام چهارم: متغیرهای وضعیت در زمان $t+1$

۱۴- فرایند سرمایه‌گذاری فاصله زمانی ندارد. ذخیره سرمایه فیزیکی تعدیل شده برای شرکتها در زمان $t+1$ موجود است. با ضرب ذخیره سرمایه با سطح جدید بهره‌وری، ظرفیت تولید شرکتها در صنعت در دوره $t+1$ حاصل می‌گردد.

شکل (۱): ساختار محاسباتی مدل نلسون-وینتر



تکامل تدریجی بنگاه و صنعت، حاصل مشاهده برخی ارتباطات در فضای صنعت می‌باشد. یکی از این ارتباطات مهم که در چارچوب سیاست رقابتی نیز اهمیت دارد، شاخص تمرکز می‌باشد. در چارچوب مدل نلسون-وینتر، شاخص تمرکز، متغیر مستقلی است که با متغیرهای برونزایی توضیح داده می‌شوند که در شکل (۵-۲) آمده است.

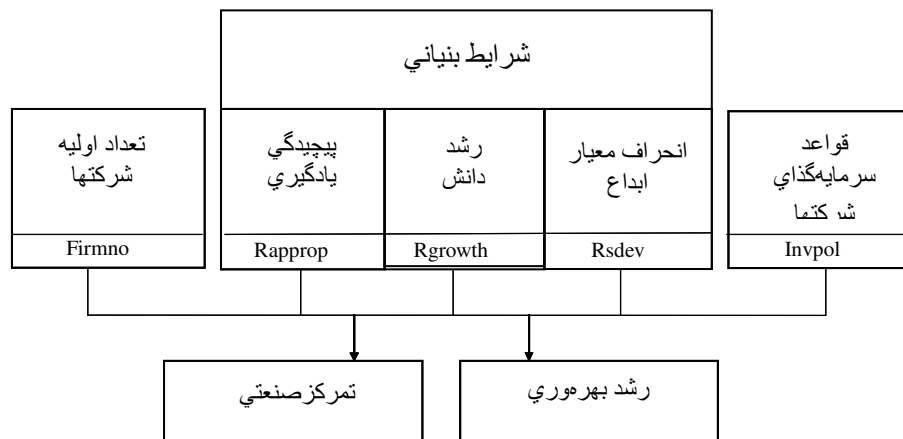
مدل نلسون-وینتر به آسانی این متغیرهای درونزا را وارد مدل می‌نماید. این متغیرها که شرایط بنیانی نامیده می‌شوند، یا حداکثر یا حداقل هستند. این شرایط توسط کدهای پایه دو رقمی یک یا صفر تعریف می‌گردد. به عنوان مثال هر گاه کد مربوطه ۱۱۱۱۱ باشد، این بدان معنی است که همه پارامترها حداکثر هستند یا اینکه ۰۱۰۰۰ به این معنی است که همه متغیرها به‌استثنای پیچیدگی یادگیری^۱ حداقل هستند. با ورود این اطلاعات به برنامه رایانه‌ای، امکان مقایسه نتایج در شبیه‌سازی مدل فراهم شده و جنبه‌های بیشتری از صنعت را می‌تواند آشکار سازد (Andersen, 1996). در این خصوص شاخص تمرکز مورد استفاده، شاخص متمرکز هر فیندال^۲ می‌باشد که عبارتست از:

$$HHS[t] = \int_{i=1}^n S_{it}^2$$

1. Rapprop
2. Herfindahl index

S_{it} سهم بازار بنگاه i ام در زمان t می‌باشد که البته در مدل معکوس این شاخص یعنی $[HHS]t$ محاسبه می‌گردد.

شکل (۲): تأثیر شرایط پیرامونی صنعت بر متغیرهای صنعت (رشد بهره‌وری و شاخص تمرکز)



۴- تحلیل مفاهیم در مدل نلسون-وینتر

تئوری تکاملی نلسون-وینتر در سال ۱۹۸۲، نقطه عطفی در گسترش دیدگاه تحول در اقتصاد ملی بوده است. ورود مفاهیمی به مدل در قالب الگوهای رفتاری، توانایی مدل را در تبیین روابط پیرامون متغیرهای یک صنعت افزایش می‌دهد. این درحالی است که الگوی نلسون-وینتر از مفاهیمی در تبیین بهره می‌جوید که با مفاهیم مورد استفاده نهادگرایی جدید مطابقت دارد. تعمیق این متغیرها می‌تواند شناخت مقاله را نسبت به توانایی این الگو و نحوه استفاده از آن روشن‌تر نماید، ضمن آنکه دلیل استفاده از این الگو را در جهت تحلیل رقابت، بهتر آشکار نماید.

۴-۱- رویه:

شناخت بیشتر این الگوهای رفتاری، مدل نلسون-وینتر را به سمت مفهومی تحت عنوان رویه^۱ سوق می‌دهد. در الگوی نلسون-وینتر، مفهوم رویه در قالب تابع احتمال پواسنی در نظر گرفته شده است. توابع پواسنی برای توزیع احتمالاتی در نظر گرفته می‌شود که دارای احتمال موفقیت پایین و تعداد آزمونهایی زیاد می‌باشد که در واقع اشاره به تکرار پذیری رفتار دارد. این رویکردی است که الگوی نلسون-وینتر به سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری و شرایط موفقیت آن دارد.

اما به لحاظ مفهومی، رویه در اقتصاد معادل واژه ژن در بیولوژی در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که ژن، انتقال ویژگیها را در طول زمان توضیح می‌دهد و چگونگی تغییر در رفتارهای انسان را تبیین می‌نماید، رویه سازمانی، کلید فهم تغییرات و نیز تبیین در اقتصاد است (Becker, 2002). در واقع، با استفاده بحث رویه در بنگاه، پاسخ به این سوالات مشخص می‌گردد:

۱. چگونه تغییرات روی می‌دهند؟
۲. انتخاب‌ها چگونه اتفاق می‌افتند؟

۳. چگونه آنچه در يك دوره انتخاب می‌شود، به دوره بعد منتقل می‌گردد؟

درواقع رویه در بنگاه میزان ثبات (وراثت)، ظرفیت دگرگونی بنگاه و هدف انتخاب را نشان می‌دهند. بنابراین رویه‌ها برای شرح تغییرات مفاهیمی همچون نوآوری، حافظه سازمانی، یادگیری سازمانی و انتقال بهترین عملکرد مورد استفاده قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، رویه‌ها وظایف فوری‌تری همچون کاهش ناطمینانی را برعهده می‌گیرند.

وینتر رویه را يك الگوی رفتاری می‌داند که از آن به‌طور مکرر پیروی می‌شود، اما با تغییر شرایط، تغییر می‌یابد (Winter, 1964). آرتور کاستلر، رویه را به عنوان يك الگوی انعطاف‌پذیر که در معرض انواع انتخاب‌های جایگزین است، می‌داند. (Becker, 2002). همچنین بکر در مقاله خود ویژگی‌های رویه را به‌صورت زیر جمع بندی می‌کند:

- تکرار پذیر بودن: بدون تکرار، رویه غیر قابل تصور است.
- ماهیت جمعی: رویه پدیده جمعی، است. همان‌طوریکه واژه مهارت به افراد منتسب می‌شود، رویه با همان مفهوم در سازمان تعریف می‌شود. در واقع، رویه مهارت اعضای مختلف سازمان در کل است که با یکدیگر همپوشانی ندارد.
- خویکار بودن: رویه همانند عادت، خودکار و کاملاً خود به خودی است. رویه بدون دقت، بدون اختصاص آگاهی و توجهی صریح است.
- وابستگی به ساختار: رویه نیازمند چارچوب‌های مکمل می‌باشد. این چارچوب‌های مکمل دربرگیرنده ویژگی‌های تاریخی، محلی و ارتباطی می‌باشد. مفهوم رویه بستگی به این چارچوب‌ها دارد. بنابراین انتقال رویه از يك چارچوب به چارچوب دیگر، ممکن است کاملاً بی‌معنی باشد.
- وابستگی به مسیر: رویه‌ها دارای وابستگی به مسیر هستند که این مسیر توسط تاریخ به تصویر کشیده می‌شود. «بدون شناخت تاریخ و اینکه چرا راه معینی اتفاق افتاده است، ایجاد بنایی مجدد در مسیری که رویه راه حل آن باشد، غیرممکن است. برای فهم مسیر، فرهنگ پذیر کردن و محافظه فرایند تاریخی ضروری است».

باتوجه به ویژگی‌هایی که از رویه عنوان گردید، حال می‌توان استنباط نمود که رویه‌ها توانایی کاهش ناطمینانی در بنگاه را دارند، زیرا امکان پیش‌بینی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، رویه‌ها تبلور شناخت و دانش سازمان می‌باشند. واکنش سازمانها در شرایط مختلف بر اساس مهارت سازمانی است که رویه‌ها می‌باشند و این شناخت سازمانی را در شرایط مختلف نشان می‌دهد. ضمن آنکه می‌توان براین نکته تأکید کرد که رویه همان مفهوم نهادی را دارد که نهادگرایان جدید نیز برآن تأکید داشته‌اند. نقش تاریخ در تحلیل نهادها یا وابستگی به مسیر نهادها، هویت جمعی نهادها و نقش آنان در کاهش ناطمینانی، همگی بر تقارن دو مفهوم نهاد و رویه دلالت دارد.

درواقع، همه نکاتی که به عنوان ویژگی‌های رویه بیان گردید، همان ویژگی‌هایی است که در مفهوم نهاد نیز صادق است. بنابراین رویه به عنوان يك نهاد در رفتارهای بنگاه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و ازاین زاویه نگرش نهادگرایی جدید در مدل نلسون-وینتر آشکار می‌گردد. رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری، در واقع رویه‌هایی هستند که دارای وابستگی به مسیر، چارچوب ساختاری با ویژگی‌های تاریخی، محلی و ارتباطی می‌باشند. از اینجاست که شناخت رویه‌های موجود که وابستگی به مسیر ایجاد می‌کند (بازدهی فزاینده ماتریس نهادی)، ضروری است.

۴-۲- یادگیری:

یادگیری، انتقال دانش موجود بین بنگاه‌ها می‌باشد. بنگاه‌ها تابع تولید کاملاً مشخصی ندارند، اما با افزایش اطلاعات از ابهامات پیش روی آنها کاسته می‌شود. نکته دیگر آنکه دسترسی به فناوری بی‌هزینه نیست و می‌تواند هزینه‌بر باشد، ضمن آنکه بنگاه‌ها قابلیت یکسانی در جذب فناوری

ندارند. با این نکات می‌توان دریافت که فرایند جذب فناوری، فرایند خود به خود و خودکار نیست، بلکه «یادگیری فرایندی جمعی، انباشتی و وابسته به مسیر است» (Lall, 1993). این بدین معنی است که با صرف سرمایه‌گذاری در یادگیری، این فرایند شکل نمی‌گیرد، زیرا یادگیری دارای خصلتهای رویه می‌باشد.

از سوی دیگر، رویه یادگیری نقش بسیار مؤثری در ارتقای رقابت برعهده دارد. "منبع بنیادی تغییر، یادگیری از طریق کارآفرینان سازمانهاست. نرخ یادگیری، منعکس‌کننده شدت رقابت در میان سازمانها خواهد بود. رقابت، پیامدی همه‌گیر از کمیابی است و از این رو سازمانها در یک اقتصاد، برای بقا، درگیر آموزش و یادگیری می‌شوند، اما درجه آن می‌تواند تغییر کند و می‌کند. اگر رقابت توسط قدرت انحصاری از بین رود، آنگاه انگیزه یادگیری کاهش می‌یابد. نرخ یادگیری، سرعت تغییر اقتصادی و نوع یادگیری، تابعی از پاداش مورد انتظار انواع متفاوت دانشی است که چارچوب نهادی تعیین کننده آن است. (North, 1990) بنابراین یادگیری نیز به عنوان یک رویه که ماهیت نهادی دارد، در رفتار بنگاه در این الگوموردتوجه قرار گرفته است. درحالی که در رویکرد نهادی این مفهوم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

۴-۳- استفاده از احتمال:

تأثیرپذیری رفتار و عملکرد بنگاه از توابع احتمال نرمال و پواسن از دیگر نکات قابل توجه در الگوی تکاملی نلسون-وینتر می‌باشد. در مبانی نظری اقتصادی، تصادفی شدن نتایج عمدتاً به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن می‌باشد. "اطلاعات ناقص پیش‌بینی نتایج را با دشواری همراه نموده است" (Stiglitz, 1990). بنابراین توجه الگوی تکاملی نلسون-وینتر بر تصادفی بودن نتایج (توجه به توابع احتمال پواسن و نرمال) به معنی پذیرش اطلاعات نامتقارن در اقتصاد می‌باشد. پذیرش اطلاعات نامتقارن، موضوع نهادها به عنوان عوامل کاهش نااطمینانی در اقتصاد مطرح می‌گردد. سایمون در واقع بر این نکته اشاره دارد: "اگر ما ارزشها را مفروض و ثابت بپذیریم، اگر توضیح عینی جهان را همچنان که به واقعیت هست بدیهي بشماریم و اگر فرض کنیم که قدرت محاسباتی تصمیم‌گیران، نامحدود است، آنگاه این فرضیات دو پیامد مهم دارد: اول، نیازی نداریم تا میان دنیای واقعی و درک تصمیم‌گیران از آن تمایزی قائل شویم. تصمیم‌گیران جهان همان‌طوری که به واقع هست درک می‌کنند [اطلاعات کامل]. دوم، انتخابهایی که توسط یک تصمیم‌گیر عقلایی صورت می‌گیرد را می‌توانیم به تمامی با استفاده از دانش خود از جهان واقعی و بدون نیاز به دانشی از فهم تصمیم‌گیرنده یا روش محاسبه وی، پیشگویی کنیم (البته باید تابع مطلوبیت وی را بدانیم یا داشته باشیم [عقلانیت کامل] (Simon, 1997)). از سوی دیگر، اطلاعات عامل محدودکننده در برخورداری از فناوری یکسان در سطح بنگاه می‌باشد. بنگاه‌ها دانش بیشتری نسبت به فناوری خود و دانش کمتری نسبت به فناوری‌های مشابه در دیگر بنگاه‌ها و دانش بسیار کمی نسبت به جایگزین‌های غیرمشابه حتی در یک وضعیت مشترک دارند (Lall, 1993). با توجه به محدودیت اطلاعات، «بنگاه‌ها روی یک تابع تولید عمل نمی‌کنند، بلکه در یک نقطه عمل می‌کنند و پیشرفت فنی خود را که نتیجه تلاشها، تجربه و مهارتهای آنهاست، (با درجه‌های مختلف) در اطراف آن نقطه مستقر می‌کنند» (Nelson & Winter, 1982). این در واقع همان رویکردی است که در مدل تکاملی نلسون-وینتر در حوزه اطلاعات، فناوری و آثار خارجی بدان توجه نموده است.

۴-۴- متغیرهای محیطی بنگاه (d^{im} و d^{im}):

این متغیرها در الگوی تکاملی نلسون-وینتر، احتمال موفقیت تلاشهای بنگاه‌های یک صنعت در پیگیری رویه‌های یادگیری و نوآوری را نشان می‌دهند. هر قدر این متغیرها در دامنه احتمال صفر و یک افزایش یابد، بدین معنی است که احتمال موفقیت بنگاه‌ها در این خصوص افزایش می‌یابد. این

در واقع اشاره به محیط نهادی بنگاه دارد. هر قدر نهادهای پیرامون بنگاه فرصتهای مناسبتری را برای بنگاه فراهم نمایند، تلاش بنگاه‌ها در این زمینه با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود. این به معنی آن است که q^{im} و q^{in} متغیرهای بزرگتری هستند. در غیر این صورت، احتمال موفقیت کاهش خواهد یافت. از این‌رو، الگوی تکاملی نلسون-وینتر به خوبی به متغیرهای نهادی پیرامون بنگاه اشاره دارد. این همان مفهومی است که نهادگرایی جدید تحت عنوان نقش ماتریس نهادی در رفتار بنگاه، می‌پردازد.

۴-۵- متغیرهای درونی بنگاه (r_i^{im}, r_i^{in}):

این متغیر در الگوی تکاملی نلسون-وینتر آن نسبتی از سرمایه فیزیکی که بنگاه به رویه یادگیری و نوآوری اختصاص می‌یابد، اشاره دارد. بدیهی است هر قدر شکاف بازدهی‌های اجتماعی و خصوصی کمتر باشد، می‌تواند در بالا رفتن این نسبتها مؤثر باشد، به عبارت دیگر، در شرایط درونی شدن آثار خارجی، بنگاه‌ها تمایل بیشتر به سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها خواهند داشت. بنابراین این الگو می‌تواند جنبه‌هایی از متغیر آثار خارجی که در نگرش نهادگرایی جدید پیرامون رقابت بحث گردید، آشکار نماید. بنابراین با توجه به پنج مورد فوق، می‌توان اینگونه استنباط نمود که الگوی تکاملی نلسون-وینتر ضمن بیان ابعاد مناسبی از عملکرد بنگاه و صنعت، از متغیرها و مفاهیمی بهره می‌جوید که با رویکرد نظری نهادگرایی جدید پیرامون رقابت سازگاری دارد در ادامه به کاربرد این الگو در صنعت خاص اشاره شده تا ابعاد مفهومی این الگو بیشتر آشکار گردد.

۵- کاربرد الگو در واحدهای متانول در ایران:

صنعت پتروشیمی دارای گستره وسیعی از محصولات متنوع است که هر یک از آنها ویژگی‌های خاص خود را دارد. این ویژگیها فرایند تولید محصول تا ماهیت تحولات تکنولوژی، بنگاه، قواعد سرمایه‌گذاری و حتی فضای کسب و کار را شامل می‌گردد. یکی از محصولات مهم در این صنعت، متانول می‌باشد. محصول متانول در دو دهه اخیر در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است. علت این امر، افزایش استفاده گسترده این محصول در صنایع مختلف می‌باشد که با توجه به تحولات مختلف فناوری در عرصه‌های مختلف، امکان افزایش دامنه استفاده از آن نیز وجود دارد. مواد اولیه این صنعت هم بر پایه نفتا و هم بر پایه گاز می‌باشد که تولید بر پایه گاز در سالهای اخیر، به‌ویژه در منطقه خلیج فارس، از وسعت بیشتر و قیمت تمام شده پایین‌تری برخوردار است. همچنین افزایش ظرفیت واحدهای متانول از دیگر تحولات این صنعت بوده که به عنوان شاخص تحول فناوری نیز حائز اهمیت می‌باشد.

در حال حاضر ایران، ۶ واحد متانول دارد که ۵ واحد آن بر پایه ماده اولیه گاز بوده و تنها یک واحد بر پایه نفتا می‌باشد که قدیمی‌ترین متانول می‌باشد. از بین ۵ واحد متانول بر پایه گاز نیز، دو واحد متانول در حال بهره‌برداری می‌باشد و سه واحد دیگر تا چند سال آینده به بهره‌برداری می‌رسند. شایان ذکر است این تعداد مربوط به تصمیماتی است که در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، عملیاتی شده است و در برنامه‌های این شرکت همچنان احتمال افزایش این واحدها وجود خواهد داشت.

جدول (۱): وضعیت واحدهای متانول بر پایه گاز

شماره واحد	ظرفیت (هزار تن)	سال بهره‌برداری	میزان سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)
واحد ۱	۶۶۰	۱۳۸۲	۱۱۰۰
واحد ۲	۱۰۰۰	۱۳۸۳	۲۵۸۱
واحد ۳	۱۶۵۰	۱۳۸۵	۲۸۳۵
واحد ۴	۱۴۴۰	۱۳۸۵	۳۱۰۳
واحد ۵	۱۶۵۰	۱۳۸۷	۲۴۶۴

گفتنی است همه این واحدها با سرمایه‌گذاری عمده، اجرا و با نظارت شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران صورت پذیرفته است.

مدل نلسون- وینتر برای واحدهای متانول در نرم‌افزار رایانه‌ای Maple-9 با قابلیت برنامه‌نویسی برآورد گردیده است. Maple یک نرم‌افزار محاسبات ریاضی رایج در رشته‌های ریاضی و فنی و با توانایی پردازش بالابهم‌ویژه در شبیه‌سازی‌های محاسباتی است که از توزیع‌های احتمال، معادلات تفاضلی و دیفرانسیلی و دیگر محاسبات و برنامه‌نویسی‌های پیچیده ریاضی استفاده می‌کند. شایان ذکر است، در این مقاله، در چارچوب الگوی نلسون - وینتر و با استفاده از این نرم‌افزار، شرایط واحدهای متانول برای ۵ سال آینده و در دوره‌های فصلی (چهارماهه) شبیه‌سازی گردیده است. در این راستا، اطلاعات مورد نیاز در برآورد الگوی نلسون-وینتر در واحدهای متانول به شرح زیر می‌باشد:

- میزان سرمایه‌گذاری‌های و ظرفیتهای بالقوه هر طرح بر اساس گزارشهای بررسی اقتصادی واحدها می‌باشد که در شرکت ملی صنایع پتروشیمی تهیه گردیده است.

- ارقام مربوط به ظرفیت بالفعل واحدهای فعال، نسبت هزینه به سرمایه‌گذاری ثابت (c)، تقسیم سود توسط سهامداران و استهلاك (delta) مبتنی بر صورتهای مالی این واحدها در سال ۱۳۸۴ می‌باشد. ضمن آنکه ارتباط بین میزان سود و وام دریافتی (b) نیز بر اساس رویه‌های بین واحدهای پتروشیمی و بانک‌ها و شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌باشد.

- رقم مربوط به رشد و انحراف معیار فناوری (علم) (phi sigma) مبتنی بر معیار رشد مقیاس واحدها در سه دهه اخیر در سطح جهان می‌باشد. همچنین رقم مربوط به رشد قیمت‌ها (rm) مربوط به تغییرات قیمت متانول در بازارهای جهانی است.

ذکر این نکته ضروری است که الگوی تکاملی نلسون- وینتر امکان بررسی حوزه‌های مختلفی از فعالیتهای واحدهای متانول را دارا می‌باشد؛ اما در چارچوب این مقاله، متغیرهای مورد استفاده، معکوس شاخص تمرکز هر فیندال، عرضه کل، سرمایه، بهره‌وری سرمایه و سود هر واحد سرمایه می‌باشند که دو متغیر اول، در سطح صنعت و سایر متغیرها در سطح بنگاه، قابل ارزیابی می‌باشند. دلیل توجه به شاخص تمرکز و عرضه کل جهت نشان دادن این نکته است که توجه به متغیرهای تبیین کننده رقابت در اندیشه نهادگرایی جدید که متناظر آنها در الگوی نلسون- وینتر شرح داده شد، می‌تواند چه تأثیراتی بر ساختار بازار رقابت و نیز سطح عرضه کل برجای بگذارند. همچنین تغییرات بهره‌وری سرمایه و سود هر واحد سرمایه به عنوان معیاری برای ارزیابی رقابت، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در اینجا تلاش گردید تا تأثیر رویه‌های رفتاری متفاوت در نوآوری و یادگیری و نیز تغییرات محیط فناوری متفاوت بر شاخصهای سطح بنگاه و صنعت شامل تمرکز، عرضه کل، بهره‌وری سرمایه و سود هر واحد سرمایه برآورد گردد.

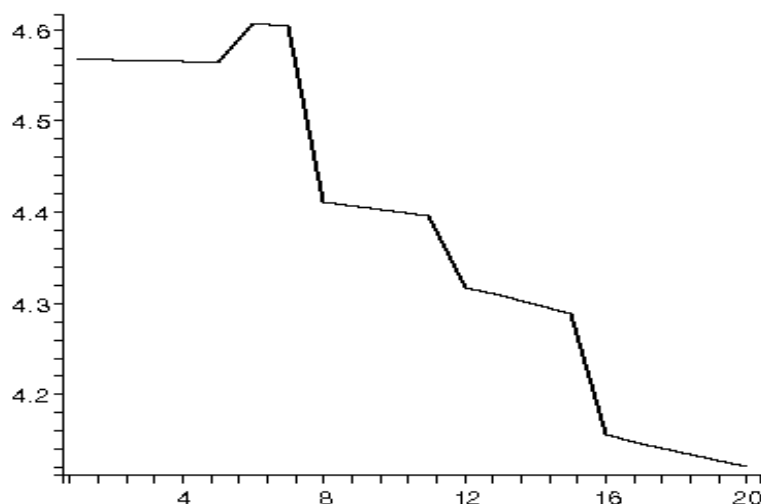
براین اساس- باتوجه به مفاهیم مطرح شده در ارتباط با خود مفهوم رویه، رویه‌های یادگیری و نوآوری- تأثیر تغییرات رویه و محیط فناوری بر واحدهای متانول شبیه‌سازی گردیده که نمودارهای آن به ترتیب در پیوست (۱) و پیوست (۲) آورده شده است. این نمودارها نشان می‌دهد که در شرایط فقدان هرگونه رویه سرمایه‌گذاری در زمینه R&D در واحدهای متانول، معکوس شاخص تمرکز افزایش و در نتیجه شاخص تمرکز، کاهش می‌یابد. این وضعیت شبیه حالتی است که محیط فناوری، توانایی کمک به بنگاه‌ها در موفقیت تلاشهای آنها در زمینه یادگیری و نوآوری را نداشته باشد؛ اما با بهبود محیط، فناوری و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در زمینه نوآوری و یادگیری تمرکز در واحدهای متانول کاهش می‌یابد.

نکته دیگر، نقش رویه سرمایه‌گذاری در زمینه یادگیری می‌باشد. شکل (۳) شرایطی را نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در نوآوری بدون توجه به یادگیری وجود دارد. ملاحظه می‌گردد که در این

حالت، شاخص تمرکز به شدت افزایش می‌یابد. این بدین معنی است که رویه سازمانی در زمینه یادگیری، نقش مهمی در جهت کاهش قدرت انحصاری دارد. همان‌طوری‌که بیان گردید، در نگرش نهادگرایی جدید، یادگیری به عنوان یک شاخص رقابت، مورد تأکید قرار گرفته است.

شکل (۳): وضعیت معکوس شاخص تمرکز در شرایط فقدان رویه سرمایه‌گذاری در یادگیری

variable HHS for 20 periods.

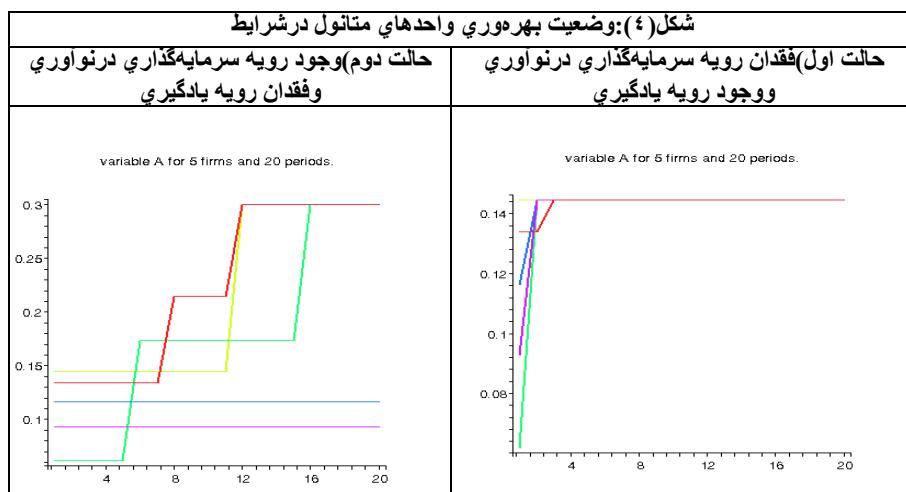


در زمینه تولید نیز ملاحظه می‌گردد، در شرایط فقدان رویه سرمایه‌گذاری اعم از نوآوری و یادگیری، عرضه کل در واحدهای متانول در میزان $1/3$ میلیون تن در دوره سه ماهه می‌باشد، اما به محض ایجاد رویه سرمایه‌گذاری در یادگیری و نوآوری، این رقم می‌تواند به میزان ۴ میلیون تن برسد. همان‌طوری‌که در نمودارهای پیوست (۲) نیز نشان داده شده است، این وضعیت در شرایط بهبود محیط فناوری نیز صادق است.

اما در خصوص متغیرهای سطح بنگاه یعنی بهره‌وری سرمایه و سود هر واحد سرمایه، در فقدان رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری، بهره‌وری سرمایه از سطح هر بنگاه بالاتر نمی‌رود. این در حالی است که رویه یادگیری موجب انتقال مهارت و دانش بین بنگاه‌ها و رسیدن آنها به سطح بهترین بنگاه می‌گردد و رویه نوآوری، موجب افزایش بهره‌وری در سطح کل صنعت می‌شود. شکل (۴) این موضوع را به خوبی نشان داده است. در حالت اول این شکل، رویه نوآوری وجود ندارد، اما با این وجود، رویه یادگیری بهره‌وری بنگاه‌ها را به سطح عملکرد بهترین بنگاه، یعنی $0/14$ رسانده است.

در حالت دوم، وضعیت بهره‌وری واحدها را در شرایط حضور رویه نوآوری و نبود رویه در یادگیری نشان داده است. ملاحظه می‌شود، این امر برای بنگاه‌های مختلف، نتایج بهره‌وری متفاوتی داشته است که همان‌طور که در مورد شاخص تمرکز نشان داده شد، این امر

می‌تواند موجب افزایش تمرکز در سطح صنعت گردد. این تأکید مجددی بر نقش یادگیری در این الگو و نیز دستگاه نظری نهادگرایی جدید در حوزه رقابت است. در مورد سود هر واحد سرمایه نیز بالاترین ارقام مربوط به شرایطی است که رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری وجود دارد که این امر نشان از اهمیت این دو رویه سازمانی در عملکرد واحدهای صنعتی دارد.



در خصوص تغییر محیط فناوری و تأثیر آن بر متغیرهای سطح بنگاه، یعنی سود هر واحد سرمایه و بهره‌وری سرمایه، نتایج شباهت بسیاری با رویه‌های یادگیری و نوآوری دارد. همان‌طور که در شکل (۶) نیز ملاحظه می‌گردد، بابت سود محیط فناوری، سود هر واحد سرمایه و بهره‌وری سرمایه، افزایش می‌یابد؛ ضمن آنکه در شرایط نامناسب بودن محیط فناوری، نتایج همچون حالتی است که در سطح بنگاه، رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری وجود ندارد.

بنابراین می‌توان اینگونه استنباط نمود که بر اساس الگوی نلسون-وینتر، ارتقای رقابت و بهبود بهره‌گیری از منابع، نیازمند الزاماتی در درون بنگاه و نیز محیط فناوری است که فقدان هر یک بر رقابت مطلوب تأثیر منفی برجای خواهد گذاشت.

۶- نتیجه‌گیری:

هدف این مقاله، بیان شباهت‌های مفهومی اندیشه نهادگرایی جدید در تبیین رقابت با رویکرد مفهومی الگوی نلسون-وینتر در تبیین رفتار بنگاه بود. به عبارت دیگر، تلاش گردید تا نشان داده شود که الگوی نلسون-وینتر، به عنوان یک الگوی کمی، از توانمندی قابل قبولی در بیان پایه‌های اطلاعاتی تبیین‌کننده رقابت در دستگاه نظری نهادگرایی جدید برخوردار است. بیان شد، رقابت مطلوب در نگرش نهادگرایی جدید در شرایط کاهش هزینه‌های مبادله و کاهش شکاف بین بازدهی‌های خصوصی و اجتماعی محقق می‌گردد و این امر با پایه‌های اطلاعاتی تغییرات نهادی از طریق فناوری، اطلاعات و آثار خارجی تبیین پذیر است. از سوی دیگر، این همان مفاهیمی است که در الگوی تکاملی نلسون-وینتر در تبیین رفتار بنگاه مورد توجه قرار گرفته است. توجه به رویه باهمان ویژگی‌های نهاد همچون تکرارپذیری، وابستگی به مسیر، کاهش دهنده ناطمینانی و همچنین پذیرش عدم تقارن اطلاعات، تأکید بر یادگیری و نوآوری و تأثیر محیط فناوری (ماتریس نهادی) بر عملکرد بنگاه، مهمترین جنبه‌های رویکردی الگوی نلسون-وینتر در راستای اندیشه نهادگرایی

جدید است. کاربرد الگوی نلسون-وینتر نیز در واحدهای متانول ایران به این موضوعات تأکید داشت:

۱. رویه به عنوان مفهومی نهادی، نقش بسیار مهمی در عملکرد بنگاه و رقابت دارد.
۲. فقدان رویه یادگیری، موجب افزایش شاخص تمرکز در اقتصاد می‌شود، از این رو کاهش قدرت انحصاری، ضرورت توجه به این موضوع را یادآور می‌سازد؛ ضمن آنکه رویه یادگیری، امکان انتقال تجارب بین بنگاه‌ها و رسیدن به بهترین عملکرد را فراهم می‌سازد. همچنین، در شرایطی که تنها نوآوری در بین بنگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، این امر بسیار نگران‌کننده‌تر است.
۳. در شرایط فقدان رویه نوآوری، عرضه کل صنعت در سطح بسیار محدودی است. از این رو، در شرایط افزایش عرضه، این رویه نیز حائز اهمیت خواهد بود؛ ضمن آنکه، رویه نوآوری، نقش بسیار مهمی در افزایش بهره‌وری سرمایه دارد.
۴. نامناسب بودن محیط فناوری می‌تواند، مانع به نتیجه رسیدن عملکرد بنگاه‌ها در حوزه یادگیری و نوآوری گردد و این امر مانع از تقای رقابت خواهد شد. بنابراین بر این نکته می‌توان تأکید کرد که با توجه به اندیشه نهادگرایی جدید، تغییرات نهادی مرتبط با ارتقای فناوری، کاهش اطلاعات نامتقارن و درونی‌کننده آثار خارجی، ضرورت شکل‌گیری رقابت، مطلوب بوده و با توجه به الگوی تکاملی نلسون-وینتر، این به معنی وجود رویه‌های سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری در بنگاه و محیط نهادی مناسب در جهت افزایش احتمال موفقیت تلاش‌های فناوری بنگاه‌ها می‌باشد. بنابراین، ارتقای رقابت در فعالیتهای اقتصادی، به‌ویژه بخش صنعت، توجه به این نکات را ضروری می‌سازد.

فهرست منابع

- ۱- غني نژاداهري، موسي (۱۳۷۶) مقدمه‌اي بر معرفت شناسي علم اقتصاد؛ تهران: موسسه عالي پژوهش در برنامه‌ريزي و توسعه.
- ۲- نورث، داگلايس (۱۳۸۱) ساختار و دگرگوني در تاريخ اقتصادي، ترجمه غلامرضا آزاد ارمكي؛ تهران: نشرني.
- 3- Andersen, Esben Sloth, Jensen. Anne K. , Madsen- Lars and Rgensen-Martin, J. (1996) The Nelson and Winter Models Revisited: Prototypes for Computer-Based Reconstruction of Schumpeterian Competition; DRUID WORKING PAPER NO. 96-2, April.
- 4- Becker. Markus, C. (1982) The concept of Routines Twenty Years After Nelson and Winter: A Review of the Literature; DRUID Working Paper, No. 03-06.
- 5- Eatwell, John (1987) Competition: Classical Conception; The New Palgrave: A Dictionary of Economics, The Macmillan Press Limited, London, Vol. 1, pp 537-540.
- 6- Hayek. F (1978) Competition as a Discovery Procedure; in F. Hayek, New Studies in Philosophy, Politics, Economics and History of Ideas, London (Routledge & Kegan Paul)
- 7- Kherallah, M. and Kirsten, J. (2001) The New Institutional Economics: Applications for Agricultural Policy Research in Developing Countries MSSD DISCUSSION PAPER, NO. 41.
- 8- Lall, S. (1993) Understanding Technology Development; Development and Change, Vol. 24, No. 4.
- 9- Nelson, R. R. and Winter, S. G. (1982) An Evolutionary Theory of Economic Change; Belknap Press, Cambridge, Mass. and London.
- 10- North, Douglass C (1991) Institutions, Organisations and Market Competition; Washington University, St. LOUIS.
- 11- North, Douglass C. (1990) Institutions, Institutional Change and Economic Performance; Cambridge University Press: Cambridge.
- 12- North, Douglass C. (1992) Five Propositions about Institutional Change; Washington University, St. Louis.
- 13- Simon, H (1979) Rational Decision Making in Business Organisation; American Economic Review, vol. 69, No 4.
- 14- Stiglitz, J. & Greenwald, B (1990) Asymmetric Information and The New Theory of The Firm: Financial Constraints and Risk Behavior; NBER Working Paper Series, No. 3359.
- 15- Stiglitz, J. (2002) Competition and Competitiveness in a New Economy; Austrian Ministry for Economic Affairs and Labour Economic Policy Center, Vienna, July, pp 11-20.
- 16- Stiglitz, J; Economics Information and Theory of Economic Development; Working Paper No. 1566.
- 17- Swedberg. R., 'Market as Social Structures; The Handbook of Economic Sociology. (1992).
- 18- Winter, Sidney G. (1964) Economic 'Natural Selection' and the Theory of the Firm; Yale Economic Essays, 4, pp. 225-272.

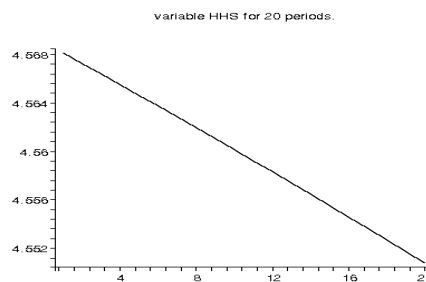
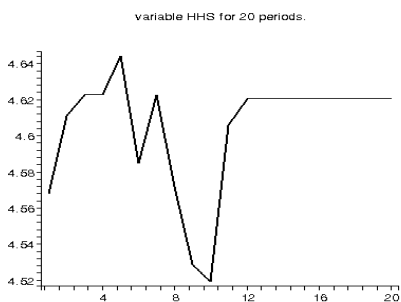
19-

پیوست (۱): نمودار تغییر در رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری در واحدهای متانول و تاثیر آن بر برخی شاخصهای صنعت

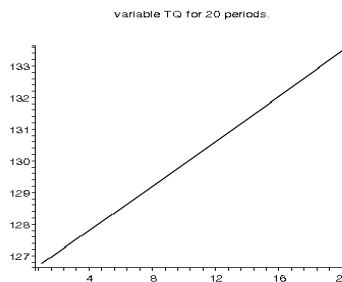
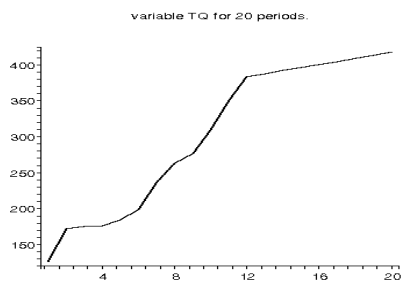
وجود رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری
($r_{in}=0.01, r_{im}=0.02$)

فقدان رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری
($r_{in}=0, r_{im}=0$)

معکوس شاخص تمرکز



عرضه کل

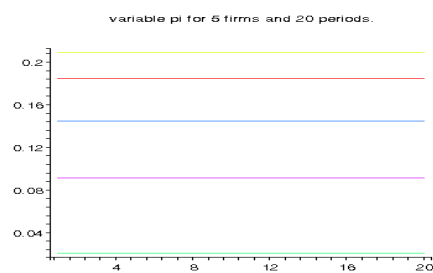
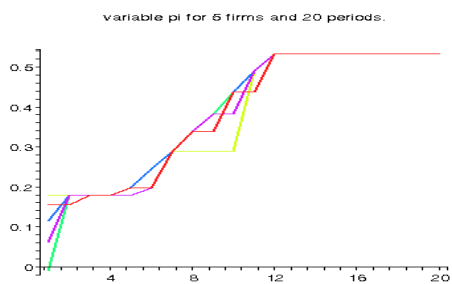


پیوست (۱): نمودار تغییر در رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری در واحدهای متانول و تأثیر آن بر برخی شاخصهای صنعت

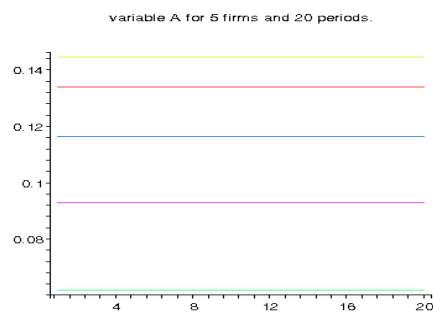
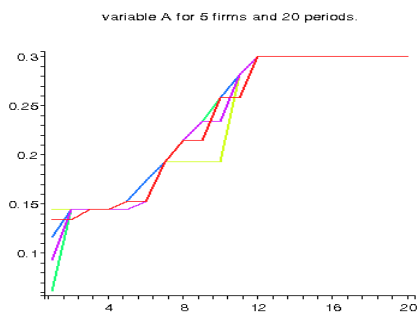
وجود رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری
($r\text{-im}=0.01$, $r\text{-in}=0.02$)

فقدان رویه سرمایه‌گذاری در نوآوری و یادگیری
($r\text{-im}=0$, $r\text{-in}=0$)

سود هر واحد سرمایه



بهره‌وری سرمایه

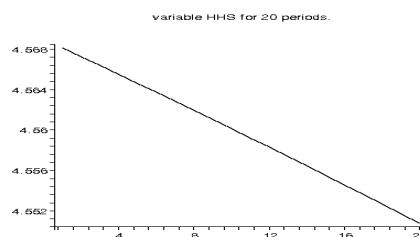
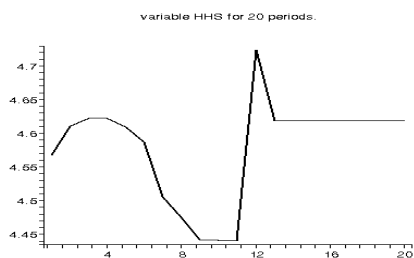


پیوست (۲): نمودار تغییر در محیط فناوری در واحدهای متانول و تأثیر آن بر برخی شاخصهای صنعت

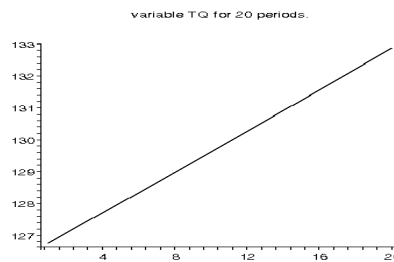
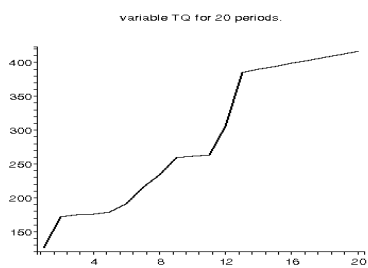
محیط فناوری مناسب (d-im=0.5 ,d-in=0.3)

محیط فناوری نامناسب (d-im=0 ,d-in=0)

معکوس شاخص تمرکز



عرضه کل

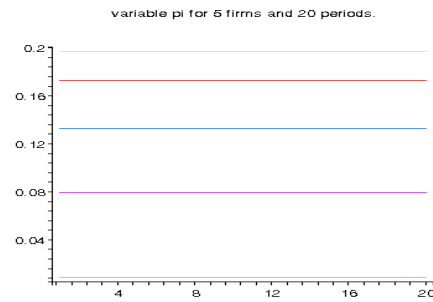
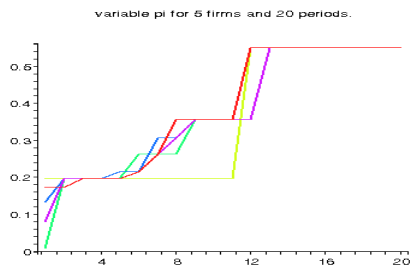


پیوست (۲): نمودار تغییر در محیط فناوری در واحدهای متانول و تأثیر آن بر برخی شاخصهای صنعت

محیط فناوری مناسب ($d-im=0.5, d-in=0.3$)

محیط فناوری نامناسب ($d-im=0, d-in=0$)

سود هر واحد سرمایه



بهره‌وری سرمایه

